محبوبي كه همه از او مي گويند

اشـاره: در شمـاره گـذشته، قسمتي از كتاب "سه رساله درباره حجةبن الحسن العسكري(عليه‌السلام)” را از "مرحوم علامه مجلسي(رحمةاللّه عليه)”، كه پيرامون گفتار زردشتيان درباره‌ي حضرت مهدي(عليه‌السلام) است، تقديم كرديم. اينك قسمتي ديگر از اين كتاب ارزشمند را، پيرامون گفتار يهوديان و مسيحيان و نيز گفتار اهل سنت، درباره‌ي آن حضرت، نقل مي‌كنيم:

 گفتار يهود

 يهودان مي‌گويند: كه حق است، و مهدي آخرالزمان خروج خواهد كرد، اما [‌اين‌كه‌] مسلمانان مي‌گويند از فرزندان اسماعيل است؛ غلط است، او از فرزندان اسحاق است، و دليل بر آن، اين‌كه در كتاب‌هاي ما نوشته كه حضرت داود بن ايشا، يازده پسر داشت، يكي از آن‌ها سليمان بود، كه پادشاه جن و انس بود در اول دنيا، و برادري داشت ماشع، كه به لغت عربي مهدي باشد، و او پادشاه شود در آخر دنيا، و او در زمان حضرت داود(عليه‌السلام) غايب شد، و در آخرالزمان پيدا مي‌شود و مهدي همين مـاشـع مـذكـور اسـت و حـق‌تعـالـي اين اخبار را در تورات به حضرت موسي(عليه‌السلام) خبر داده و ساير نادي‌ها خبر داده‌اند.

 اما يهود دروغ مي‌گويند، فقير [‌علامه مجلسي(رحمةاللّه عليه)] تورات را خوانده است، چنين نيست كه ايشان مي‌گويند، و در سفر انبياء دو تورات، اين اقوال نيست، بلكه در آن‌جا نوشته است كه ماشع [‌منجي موعود، حضرت مهدي(عليه‌السلام)] از فرزندان مؤمؤد است، يعني محمد، و او از اولاد"شـالـون" اسـت، يعـنـي "اسـمـاعـيل"، و يهود به وجود حضرت مسيح(عليه‌السلام) قائلند كه از آسمان نزول مي‌كند...

 گفتار نصارا

 كه مراد عيسويان‌اند، اصل ايشان سه فرقه‌اند: ملكائي، ونسطوري، و يعقوبي، و بعضي لوائي را فرقه‌ي چهارم گرفته‌اند، ملكائي و لوائي و فرق ايشان به وجود آن حضرت قائلند، و بعضي از ايشان مي‌گويند: در انجيل و كتاب‌هاي ما نيست، اما شنيده‌ايم از علما و بزرگان خود، كه در آخرالزمان ظهور خواهد كرد، و قائل هستند كه حضرت عيسي خواهد آمد و دجال را خواهد كشت، و با لشكر شيطان جنگ خواهد كرد؛ و يعقوبي و نسطوري قائل نيستند.

 اما داوودي از فرقه‌ي يعقوبيه و جمعي از فرنگان پرتكاليه، و همچنين داوودي بـه نبـوت حضـرت عيسـي(عليه‌السلام) قائلند، نه به الوهيت و ولاديت، و همچنين به نبوت پيغمبر ما قائلند و مي‌گويند حق است و آن پيغمبـر مبعـوث شود بر عرب، نه بر عجم و اسرائيليان؛ و مثل يهودي مـي‌گويند پيغمبر موعود، مهدي است و خواهد آمد و قائلند كه انجيل آسماني است، به خلاف همه‌ي نصارا، كه انجيل را آسماني نمي‌دانند.

 و داوودي گويند: ماهدي ظهور مي‌كند و عالم را خواهد گرفت ... و احوالات ائمه(عليهم‌السلام) در انجيل داوودي هست.

 و اكثر دانايان گرج و اَرس و بلغار و حبش و زنگ و فرنگان انگليس و الأمان و پرتكال، قائلند به وجود شريف آن حضرت.

 و در كتاب اژي پيغمبر، و كتاب زكيال پيغمبر، و كتاب كلوبين، و كتاب سندره‌ي مسيحيان مسطور است: كه چون ماه از فاران طلوع كند، دوازده دانه و پيشنماز داشته باشد، كه بعد از او به جاي او حكم برانند [‌ظهور پيغمبر اكرم(صلي الله عليه وآله) و امامت دوازده امام معصوم(عليهم‌السلام)] ... [‌تا آن‌كه گويد:] دوازدهم ايشان صاحب عالم شود و علم بر قدس خليل و ناصره زند و لشكر او تا بحر سوف خيمه زنند ...

 و پادشاه فرنگ را ذليل كند، و آفتاب بر پشت او باشد، و دجال از كوه كرملو برآيد، خرسوار، كه آن خر دراز و بزرگ چون كوه ثور باشد، و با صاحب [‌صاحب الزمان(عليه‌السلام)] جنگ كند و آن زمان رايستوس‌[1] كه مراد مسيح باشدـ و به روايت ديگر: كريستوسـ از يركهن كه آسمان باشد، به زير آيد و با حواريين پيش پيش او جنگ كنند و به روايت ديگر ايشوع ناصري فرود آيد و بانگ ناقوس در عالم كم شود ...

 مقالات اهل سنت

 جمهور اهل سنت قائلند به وجود آن حضرت، و مي‌گويند مهدي اين امـت حق است كه ظهور مي‌كند، وليكن رافضيان ]‌شيعيان] او را امام مفترض الطاعه مي‌دانند، نه چنين است، او از فرزندان رسول خداست وليكن پادشاهي خواهد بود كه سرآمد همه‌ي پادشاهان باشد؛ و بعضي از ايشان [‌يعني اهل سنت‌] گويند هنوز متولد نشده است.

 اما اكثر علماي اهل سنت چون ابوعبدالله محمدبن يوسف بن محمد گنجي شافعي در كتاب بيان و ابوالمظفر سبط جوزي در كتاب خصائص و خطيب دمشق و اسكندراني و باقلاني و ابن ابي الشوازب قاضي عباسي بغدادي و احمدبن حنبل در مسند و ابن اثير در جامع الاصول و صاحب كتاب الجمع بين الصحاح السته و خوارزمي در كتاب اربعين و ظاهر قول محي الدين حنبلي در كتاب فتوحات و در فصول المهمه و حافظ ابونعيم و ظاهر قول ثعلبي كه از رؤساي مفسرين ايشان است، تصريح نموده‌اند، و همگي برآنند كه آن حضرت متولد شده است.

 و عـلاءالـدين سـمـنـانـي كه از اكابر اهل تصوف است و درويشان [‌متصوفه‌] او را شيعه و سنيان او را از خود مي‌دانند، او قول شيعه و سني را رد كرده است و به خلاف اجماع طرفين نقل كرده و در تصنيفات خود گفته كه جماعتي از اهل قبله كه ايشان را روافض [‌شيعيان‌] گويند، ايمان نزد ايشان آن است كه اعتقاد كنند كه م‌ح‌م‌د بن حسن عسكري زنده است و مهدي است، و بيرون خواهد آمد و خدا مي‌داند كه آن‌گاه كه او غايب شده در طبقه‌ي‌[2] ابدال درآمد، و همچنان عمر يافت تا قطب شد، و نوزده سال قطب بود، و خدا مي‌داند كه او مرده است، و در مدينه‌ي رسول الله او را دفن كردند و درويشان نوربخشي با آن‌كه لاف تشيع مي‌زنند، علاءالدوله را با اين اعتقاد پير خود مي‌دانند.

 و قاضي زكريا، كشيش بتكده‌ي استنبول، كه در زمان سلطان محمد فاتح قسطنطنيه بوده و سرآمد علماي اهل سنت روم است، حاشيه‌اي بر كـشـاف نـوشـته در تفسير آيه كريمه‌ي: »فنسي ولم نجد له عزماً«[3] مي‌گويد: ‌كه ائمه رافضه [‌ائمه اطهار(عليهم‌السلام)] مي‌گويند: مراد از اين آيه اين است كه حضرت آدم فراموش كرد حضرت صاحب الامر را يا آن‌كه عزمي نداشت در اقرار كردن به وجود و ظهور آن حضرت، و اين آيه را در باب خصوص مهدي [(عليه‌السلام)] مي‌دانند، و حق اين است كه مراد از اين آيه مهدي است، و فجره‌ي رفضه[4] صاحب [صاحب الزمان(عليه‌السلام)] را امام مفترض الطاعه مي‌دانند و در اين باب غلو بسيار دارند، اين را نمي‌دانم، وليكن بر من ثابت شده است كه صاحب الأمر چهار نفر از صحابه‌ي كبار را چون خلفاي ثلاثه و معاويه را زنده كند، كه امراي آن حضرت باشند و از پسينيان چهارنفر را كه مساعي جميله در دين به ظهور آورده باشند زنده مي‌كند كه مسلمانان را تعليم مسائل و فرائض نمايند و گمان دارم فقهاي اربعه باشند: «ابوحنيفه، و شافعي، و مالك، و احمد بن حنبل». [5]

 خورشيد مكه: «ظاهراً اخبار و روايات رسيده به قاضي زكريا، بر اساس احاديث و روايات ائمه اطهار(عليهم‌السلام) نيست و او تصور كرده است كه زنده شدن اين افراد براي برقراري حكومت جهاني است، در صورتي كه چنين نيست، و مسئله رجعت، از اعتقادات خالص و مخصوص شيعه است و زنده شدن براي دو گروه است: يا مؤمن خالص و يا كافر خالص، گروه اول براي پاداش گرفتن و گروه دوم براي مجازات است».

 و مؤمني از طايفه‌ي ارناووت كه از عسكر سلطان روم بوده و به تشيع در بلاد روم معروف بود؛ در بغداد به فقير [‌علامه مجلسي(رحمةاللّه عليه)] گفت كه: در استنبول در زمان ايلدوم با يزيد، از ملوك آل عثمان، در مسجدي كه الآن مشهور است به اياصوفيه و سابق براين، بتكده و كليساي اعظم نصاراي روم بوده و اين بتكده‌اي است كه در اسلام مسجد نمودند، و دست به عمارت او نگذاشتند، و يك طرف آن را از ته دريا بالا آورده‌اند، بلكه نصف اين مسجد در روي درياست، و در دنيا از آن عظيم‌تر مسجدي نيست، و در آن‌جا لوحي يافتند و در آن لوح سطري چند نقش بود، به خط يوناني، كه هزار و دويست سال قبل از بعثت نوشته بودند، و در زمان ارماطيس پادشاه يونان كه در زمان او گل مختوم به هم رسيد، و در آن لوح اسامي چهارده معصوم ثبت بود، يك سطر در آخر آن لوح ... [‌بيزاري از] دشمنان اهل‌بيت بود و در آن‌جا نوشته بود كه مهدي آخرالزمان از امت مرحومه است و از فرزندان دختر احمد است كه مسيح با حواريين خواهند آمد و به او اقتدا كنند؛ در حالتي كه دنيا مملو از ظلم باشد، او پر از عدالت كند و بعد از ترجمه بر بايزيد خواندند [‌اما او از ترس رسوايي دشمنان اهل‌بيت(عليهم‌السلام)]، آن لوح را در اسكودار به دريا انداخت.[6]

 پي‌نوشت‌ها:

 [1] ـ انسبوس خ

 [2] ـ طريقه خ

 [3] ـ طه/115

 [4]- منظور از اين كلمه شيعيان هستند كه مخالفان شيعه در هنگام ناراحتي از آنان، اين كلمه را به كار مي‌برند و پيروان خاندان عصمت و طهارت(عليهم‌السلام) را از دين خارج مي‌دانند.

 [5]- مرحوم علامه مجلسي(رحمةالله عليه) در اين‌جا پاسخي به قاضي زكريا داده‌اند كه به جهاتي آن را ذكر نكرديم.

 [6]- كتاب سه رساله درباره‌ي حضرت "حجةبن الحسن العسكري(عليه‌السلام)” از بزرگ پرچمدار تشيع علامه محمد باقر مجلسي(رحمةالله عليه) با مقدمه سيد محمود بحرالعلوم ميردامادي و تحقيق سيد